

## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار با اتکا به شواهد باستان شناختی و منابع مکتوب تاریخی

### مریم بطحائی

دانشجوی دکتری باستان شناسی (گرایش اسلامی) واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

maryam.bathaie@gmail.com

### محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

دانشیار، گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

jelodar@ut.ac.ir

### محمد مرتضایی

دانشیار، پژوهشکده باستان شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

M\_mortezayi2008@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۸ شماره ۶۸- صفحه ۳۳-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۵

### چکیده

آمل یکی از شهرهای قدیمی و مهم طبرستان از پیش از اسلام تا به امروز می باشد، که به دلیل قرارگیری بر راه‌های ارتباطی و موقعیت جغرافیایی مناسب نقشی کلیدی در تحولات سیاسی، اقتصادی و مناسبات فرهنگی شمال ایران ایفا نموده است. با وجود این که منابع مکتوب، اطلاعات ارزشمندی از این شهر ارائه می‌دهند، سوالات زیادی درباره تاثیر وقایع تاریخی و سیاسی بر توسعه و تغییرات در ادوار مختلف باقی مانده است. در پاسخ به این سوالات نگارندگان مصمم شدند تا ضمن بهره‌گیری از منابع مکتوب، روند شکل‌گیری و تحولات آن را مشخص و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. موضوع مطالعاتی پژوهش حاضر، تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوره قاجار می‌باشد. هدف این پژوهش، شناخت و بررسی تحولات از طریق بررسی متون ثبت شده مورخین و جهانگردان است. اصلی‌ترین پرسش مطرح شده، رویدادهای اثرگذار بعد از ورود اسلام به آمل چه بوده و جغرافیای تاریخی مکتوب شامل چه بخش‌هایی است. مقاله پیش رو در بر دارنده اسناد، مدارک و متون از صدر اسلام تا انتهای دوره قاجار است. روش تحقیقی این مقاله تاریخی-توصیفی-تطبیقی است. از مهم‌ترین نتایج بدست آمده، ورود اسلام در مورخه ۳۰ ه. ق، فراز و نشیب تا حمله مغولان و تیمور، اهمیت جغرافیایی و مذهبی در دوره صفوی، مرکز تجارت و ساخت و ساز ادوات جنگی در دوره افشاریه و زندیه و جایگاه ویژه در دوره قاجار می‌باشد.

## مقدمه

مازندران از جمله مهم‌ترین و کهن‌ترین بخش‌های ایران و آمل نیز از شاخص‌ترین مناطق می‌باشد که در هر یک از دوره‌های تاریخی جایگاه قابل ملاحظه‌ای در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و نظامی دارد. قرارگیری این شهر در موقعیت جغرافیایی خاصی که با فتح این شهر در دومین حمله مسلمانان به طبرستان بیش از پیش نیز مورد توجه قرار گرفته، در دوران اسلامی تغییر و تحولات بسیاری داشته است و بیان‌کننده تحولات تاریخی، منطقه‌ای نیز می‌باشد که در آن واقع بوده است. از این رو به دلیل قدمت تاریخی خود می‌تواند از جمله موضوعاتی باشد که مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین سوال مطرح شده، اساساً رویدادهای مهم و اثرگذار از صدر اسلام تا دوره قاجار چه بوده و چه تأثیراتی بر سیر جغرافیای تاریخی آمل داشته است و با بررسی دقیق متون مورخان، به سوالاتی همچون چگونگی شکل‌گیری و اداره شهر بعد از اسلام، ادوار بعدی، دلایل مقاومت شهر در برابر بیگانگان و دلایل محبوبیت و یا عدم محبوبیت این شهر در حکومت‌های مختلف چه بوده و جایگاه استراتژیک آن در عصر صفوی، زند، افشار و قاجار چه بوده است؟ جایگاه و نقش تزئینات وابسته به مسکن و شهرنشینی بومی شهر آمل در جغرافیای منطقه چه می‌باشد؟ متأسفانه بافت قدیمی شهر آمل به فراموشی سپرده شده و معماری مدرن جایگزین آن گشته است. شناخت و بررسی تطبیقی ویژگی‌های این‌گونه شهرها می‌تواند در به دست‌آوردن بینشی عمیق و گسترده از تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران در سده‌های مختلف اسلامی مفید باشد. آنچه در ایران پس از اسلام رخ داد همانگونه که اکثر مورخان نقل می‌کنند جایگزینی آرام و تدریجی اسلام به جای دیگر ادیان و آئین‌ها بود. در گزارش جغرافی دانان و نویسندگان در چند قرن پس از اسلام می‌توان از حضور جمع قابل توجهی از پیروان ادیان و آئین‌های دیگر در برخی مناطق آگاهی یافت (شاهرخ، ۱۳۸۸: ۱۱۰). هدف اصلی در این نوشتار شناخت و تغییرات شهر آمل از صدر اسلام تا دوران قاجار از طریق متون مورخین و جهانگردانی است که مشاهدات خود را به رشته تحریر درآورده‌اند تا تصویری دقیق از سیمای شهر، زندگی مردمان آن در گذشته با هدف شناخت بهتر و معرفی دقیق آن در دوره معاصر صورت پذیرد. یافته‌های مستند و مکتوب تأیید می‌نماید، مورخان اسلامی از جنبه‌های گوناگون این شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند و در این نوشتار تلاش گردیده به نظرات

مختلف این مورخان درباره نام مازندران، آمل، جغرافیای تاریخی و سیاسی آن، بافت شهری آمل در دوران صدر اسلام تا دوره قاجار و نیز بازدید جهانگردان در دوران قاجار پرداخته و با تحلیل این اطلاعات دانش ما از این شهر کامل گردد. شیوه گردآوری اطلاعات تاریخی - اسناد و کتابخانه ای است و روش پژوهش تاریخی - تحلیلی است، بخش عمده مطالب از منابع کتابخانه ای تهیه شده است. شناخت و تحلیل تحولات شهر آمل در ادوار مختلف اسلامی تا دوره قاجار براساس بررسی دقیق مستندات مورخان و جهانگردان، تبیین دقیق جغرافیای تاریخی آمل، ترسیم سیمای شهر، زندگی مردمان در گذشته و افزایش شناخت و آگاهی نسبت به گذشته به منظور بارگیری در دوره معاصر از جمله نتایج مورد انتظار این پژوهش می باشد.

### **جغرافیای تاریخی و وجه تسمیه مازندران «طبرستان» در متون نوشتاری صدر اسلام تا قرون میانه**

سرزمینی که بین دو ولایت گرگان و گیلان در کنار دریای خزر قرار دارد در تاریخ باستانی به نام‌های مازندران و طبرستان و احياناً رویان خوانده شده است. در کتیبه‌های داریوش در آن جایی که از ایالات و ولایات کشور پهناور خود نام می‌برد نامی از مازندران به میان نمی‌آید بیش از آن هم در اعلام جغرافیایی اوستا که در کتاب ونیداد از ۱۶ کشور و سرزمین یاد شده است، از مازندران اسمی به میان نیامده است از دوره شاهنشاهان اشکانی هم نامی از مازندران در میان نیست این بی‌خبری از این سرزمین سبز و خرم که آن را می‌توان هند ایران نامید دلیل آن است که پادشاهان پیش از اسلام تا پیش از دوره ساسانی بر این ولایت به علت وضع جغرافیایی آن و قرار داشتن در پس جبال البرز و وجود جنگل‌های انبوه که به مانند حصنی حصین آن سرزمین را از تهاجم اقوام دیگر مصون می‌دارد تسلط نداشتند و اگر هم گاهی در آن سرزمین اسرارآمیز نفوذ می‌کردند موقتی بوده است (مرعشی، ۱۳۴۵: ۷-۸). جهانی در اشکال العالم فاصله مناطق تا نیشابور، از جمله سرخس و مرو تا آمل، شط و رودخانه جیحون و مناطقی همچون طوس و اسفراین تا قائن و فراه در افغانستان را برشمرد (رضانژاد، جهانیان، ۱۳۹۹: ۲۵۲). در کتاب اوستا در آبان یشت «بند ۲۲» از دیوان مازندران یاد شده است این دیوان در اوستا شریب‌ترین و پلیدترین دیوان شمرده شده - اند (پورداوود، ۱۳۰۸: ۱۴۵). دیوان مازندران موجودات شگفت انگیز و سترگ پیکر هستند که در غارها سکونت دارند و از فرط بلندبالایی و تنومندی آب دریا تا میان سینه ایشان است و اگر در گودترین جای دریا بایستند سطح آب را بر دهان ایشان خواهد بود (مرعشی، ۱۳۴۵: ۸). رابینو؛

مازندران را مکان دیوهای مازنی می‌داند، و معتقد است خود مازندرانی‌ها در آن‌جا عده خارجی بودند که شباهتی به افراد بومی نداشتند. در میان اقوام تاریخی مازندران، یکی تپوره‌های ساکن در کوه‌های شمالی سمنان و دیگر، آمده‌های ساکن در شهر آمل بودند که هر دو توسط اسکندر مقدونی شکست یافتند (رایینو، ۱۳۸۳، ۱۰). اشک پنجم فرهاد اول آماردها را به ناحیه خار در مشرق ورامین کوچ داد و جای ایشان را تپیری‌ها یا تپوری‌ها گرفتند که سپس همه آن ایالت به نام ایشان به تپورستان «طبرستان» خوانده شد (پیرنیا، ۱۳۹۱، جلد ۳: ۱۸۲۸). لسترنج و رایینو هر دو کلمه‌ی طبر را به معنی کوه و طبرستان را به معنی کوهستان دانسته‌اند (رایینو، ۱۳۸۳: ۲۱) و- (لسترنج، ۱۳۳۷، ۳۹۴).

در طی دوران اسلامی مورخان در وجه تسمیه طبرستان و حدود آن مطالبی را بیان نموده‌اند. ابن-خردادبه «۲۵۰ه.ق»؛ طبرستان را سرزمین وسیع و کوهستانی می‌داند، که از شهرهای معروف آن دهستان، آمل، می‌باشد (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۴). اصطخری «۳۴۰ه.ق» طبرستان را ولایتی بزرگ می‌داند، که آمل یکی از شهرهای مهم آن می‌باشد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۹-۱۷۰). ابن‌حوقل «۳۶۷ه.ق» طبرستان را بلادی پر از آب و درخت و می‌داند که بیشتر آن با تلاق است، بناهایش از چوب ساخته شده و باران در آن‌جا بسیار می‌بارد. ابریشم آن را به آفاق می‌برند و قوت مردمش از برنج است. وی نیز از شهرهای مهم طبرستان از آمل نام می‌برد (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۸-۱۲۰). نویسنده حدود العالم «۳۷۲ه.ق» طبرستان را ناحیه‌ای بزرگ از دیلمان می‌داند، که حدش از چالوس تا تمشه است و این ناحیه آبادان بوده است (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۴). مهلبی «۳۸۰ه.ق» گوید طبرستان به سبب کوه‌های بلندی که از هر سو آن را احاطه کرده است، حصنی عظیم و استوار است. در وسط کوه‌ها اراضی سهل واقع شده و از حیث کثرت رودها، باتلاق‌ها، نیزارها و بیشه‌ها هیچ جا همانند آن نیست. از آن حریر به فراوانی خیزد، و نان‌شان از برنج است (مهلبی، ۲۰۰۶: م: ۱۵۰). مقدسی «۳۷۵ه.ق» طبرستان را خوره‌ای در دشت ساحلی می‌داند، که کوه‌هایی نیز دارد، و بارانش بسیار است. قصبه مهم آن آمل است (مقدسی، ۱۳۶۱، جلد ۲: ۵۱۹). از دوران سلجوقیان نام مازندران به موازات نام طبرستان بکار رفته است، و شهرهای آن‌ها یکسان بیان شده است (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۰). یاقوت-حموی «۶۲۳ه.ق» در ذیل کلمه مازندران می‌نویسد طبرستان معروف به مازندران است و نمی‌دانم از کی به مازندران نامیده شده است و آن نامی است که ما آن را در کتاب‌های قدیم نیافتیم و همانا از زبان اهل آن بلاد شنیده شده است و بی شک مازندران و طبرستان یکی است (یاقوت‌حموی،

## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار

۱۳۸۰، جلد ۱: ۳). در کتاب برگزیده مشترک، یاقوت حموی آمل را بزرگترین شهر طبرستان دانسته و سرزمینی در زمین هموار و دشت نام می برد و از منسوبان به آن محمد بن جریر طبری، صاحب تاریخ می باشد (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، جلد ۱: ۱۵). ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان برای واژه مازندران به جای طبرستان می نویسد؛ «و مازندران محدث است بحکم آن که مازندران بحد مغربست و به مازندران پادشاهی بود، چون رستم زال آنجا شد او را بکشت. منسوب این ولایت را موز اندرون گفتند بسبب آن که موز نام کوهی است از حد گیلان کشیده تا به لار و قصران که موز کوه گویند همچنین تا به جاجرم یعنی این درون کوه موز است» (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۷۴). ابوالفداء «۷۲۱.ق» در تقویم البلدان خود در وجه تسمیه طبرستان پیروی از لغت سازی عامه کرده و این کلمه را مشتق از تبر دانسته و بر آن شده است که مردم آن سرزمین به مناسبت جنگل های انبوه و استفاده از تبر غالباً پیشه هیزم شکنی داشتند بنابراین طبرستان را سرزمین هیزم شکنان پنداشته است که در مشرق بلاد دیلم و گیلان قرار دارد (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۹۸). حمدالله مستوفی «۷۴۰.ق» بین ولایت مازندران و طبرستان فرق می گذارد و می نویسد که مازندران هفت تومان است که عبارت است از؛ جرجان، رستاق، استرآباد، آمل و رستم دار، دهستان، روغد و سیاه رستاق و طبرستان مشتمل بر سمنان، دامغان، فیروزکوه، دماوند و فریم بوده است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۹۷). نام مازندران از قرن هشتم هجری به عنوان نام مصطلح تا به امروز بدون تغییر مورد استفاده می باشد. کروسینسکی، مردم بومی مازندران را یکی از سلحشورترین اقوام ایرانی دانسته که در مقابل یورش تیمور مقاومت کرده اند و ازاد و بوم و قلاع و استقلال سرزمین خود مردانه دفاع نمودند (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۴۵).

### جغرافیای تاریخی شهر آمل

#### نام و وجه تسمیه آمل در متون نوشتاری صدر اسلام تا قرون میانه

نام شهر آمل در مازندران را دگرگون شده نام آمارد یکی از اقوام ساکن کرانه جنوبی دریای مازندران دانسته اند. واژه آمل که گونه دیگر آن آموی است، احتمالاً از قبیله باستانی (آ) مردها یا (آ) ماردها گرفته شده است. مورخان باستانی غربی نام این قبیله را مردی یا آمردی آورده اند. آماردها قومی نیرومند و جنگجو بوده اند و ناحیه فعلی آمل را به عنوان مرکز خود انتخاب نموده و نام خود را بر نهادند و بعدها واژه «آماردها» به سبب کثرت تلفظ به آملد، آمرد و «آمل» بدل شد. بعدها نام فارسی جدید «آمل» به جای نام فارسی قدیم «آمارده» بکار رفته است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۵۶-۲۵۵)، بلاذری «۲۷۱.ق» واژه آمل را مترادف «آموی» نامیده اند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۷۱).

ناصر خسرو «۴۳۸ه.ق»، نام شهر را به «آمله» دختر یکی از سرکردگان دیلمی و برخی به طهمورث نسبت داده است (قبادیانی، ۱۳۳۵: ۱۹۴). ابوالفداء «۷۲۱ه.ق» واژه «آمو» را صورت مخفف شده واژه آمل می‌داند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۰۳). در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار و در جای دیگر پیرنیا می‌گویند؛ بی‌گمان این نام از نام قبیله باستانی «آمارد» یا «مارد» گرفته شده است. این قوم مهاجر بادیه‌نشین بوده‌اند که به تاخت و تاز در اراضی اقوام دیگر می‌پرداختند و به روزگار کوروش تا حوالی ماد پراکنده گردیده بودند، آمده‌ها در حدود سه هزار سال پیش از میلاد نیز در حال پیدا نمودن سرزمین بوده‌اند (پیرنیا، ۱۳۹۱، جلد ۳: ۱۸۲۸). واژه آمل، حرف «آ» در زبان ایرانیان قدیم کاربرد «ضد» داشته و «مُل» به معنی مرگ و «آمل» ترکیبی از ضد مرگ مانند امرداد و مرداد است. آمل به معنی بی مرگ است یعنی تو را مرگ مباد. با توجه به مطالب مذکور هر یک از واژه‌های فوق بر مبنای یک واقعه تاریخی و یا روایتی تاریخی ذکر شده است پس می‌توان تصور نمود هر یک از معانی فوق قابل قبول باشد و هر یک اشاره به دورانی از تحولات در آمل نخستین و دومین حمله مسلمانان به شرق طبرستان در «۲۲ه.ق»، «۳۰ه.ق» به هنگام خلافت عمر به سرداری سُویدبن مُقرن و سعیدبن عاص روی داد که در نتیجه گیل پسر گیلانشاه اسپهبد طبرستان تعهد کرد سالانه ۵۰۰۰۰۰ درهم جزیه بپردازد. گویند در سپاه سعیدبن عاص، حسن بن علی (ع)، امام دوم شیعیان نیز شرکت داشت. بعضی بنای پل آجری آمل را به امام حسن (ع) نسبت داده‌اند (بجنوردی، ۱۳۷۴، جلد ۲: ۲۰۱). مقارن با فتوحات اسلامی آل‌باوند یا باوندیان سلسله‌ای از امرای محلی مازندران بودند که سه شاخه «کایوسیه، اصفهدان و کینه‌خواریه» تقریباً به طور متوالی نزدیک هفتصد سال یعنی از حدود سنه «۷۵۰-۵۴۵ه.ق» در طبرستان فرمانروائی کرده‌اند (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۳۸۸). کوشش برای فتح طبرستان و شهرهای آن در ایام خلافت علی (ع) توسط مَصْقَلَه بن هبیره شیبانی فراهم شد، ولی با شهادت علی (ع) ناتمام ماند. در زمان تسلط معاویه بن ابی‌سفیان، همین شخص متعهد فتح طبرستان شد و با ۴۰۰۰ سپاهی بدان سوی شتافت و دو سال تمام میان او و فرخان بزرگ جنگ ادامه داشت تا آنکه ابوالخصیب نخستین والی طبرستان از سوی عباسیان در «۱۴۴ه.ق» پس از فتح این ناحیه به آمل آمد و دو سال فرمان راند، وی مسجد ساری را بنا نهاد- (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۱۷). عمر بن علاء از سوی ابوالخصیب با ۱۰۰۰۰ مرد به آمل آمد، مرزبان که از جانب اسپهبد بر آمل گمارده شده بود به مقابله پرداخت، ولی در جنگ کشته شد. در نتیجه عمر بن علاء آمل را تصرف کرد (خواندمیر، ۱۳۳۳، جلد ۲: ۴۰۴) و آمل پایتخت والیان خلفا در طبرستان

## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار

شد (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۶). پس از عزل ابوالخصیب، روح بن حاتم در «۱۴۷ه.ق» حکمران طبرستان شد، ولی به سبب جور فراوان معزول گشت و خالد بن برمک در «۱۵۰ه.ق» به جای او فرستاده شد، وی در خالد سرای آمل کاخی بنا نهاد و ۴ سال در آنجا حکومت کرد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۲۰۰). پس از خالد عده‌ای دیگر در طبرستان حکومت کردند تا آنکه نوبت به عبدالحمید مضروب رسید و جور و ستم بسیار کرد. مردم که از ستم او به ستوه آمده بودند، دست به دامان خاندان کهن ایرانی که این زمان بر کوهستان حکومت داشتند، زدند و سرانجام به رهبری ونداد هرمزد از خاندان قاروند در یک روز همه ماموران خلیفه را کشتند و مدتی دست امرای بنی‌عباس را از طبرستان کوتاه کردند. مهدی، خلیفه عباسی، امیرانی به طبرستان فرستاد که همگی شکست خوردند؛ سالم فرغانی که از سرداران بنام بود، نزدیک آمل در ناحیه «هر سه مال» به قتل رسید و سردار دیگری به نام فراهه دستگیر و به فرمان اسپهبد کشته شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۲۰۱-۲۰۲). ناگزیر خلیفه فرزند خود موسی را روانه طبرستان کرد و منطقه جلگه بار دیگر به دست امرای بنی‌عباس افتاد. در زمان هارون الرشید در «۱۷۷ه.ق» مسجد جامع آمل به فرمان ابراهیم بن عثمان بن نَهِیک بنا شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۹۱). حصار آمل و ساری در «۱۷۹ه.ق» به فرمان عبدالملک بن قعقاع تعمیر و مرمت گردید (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۲۰۸). مازیار پسر قارن در زمان عصیان بر معتصم خلیفه عباسی حصار دو شهر آمل و ساری در طبرستان «۲۲۴ه.ق» را ویران ساخت (ابن اثیر، ۱۳۶۸، جلد ۱۷: ۱۴۵-۱۳۳). ولی چون مورد حمله عبدالله بن طاهر قرار گرفت، پشیمان شد. از این پس طبرستان ضمیمه قلمرو طاهریان گردید و تا «۲۵۰ه.ق» در تصرف آنان بود (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۲۳۹). در دوران طاهریان ساریه جایگاه والی بود، در صورتی که پیش از آن آمل جایگاه حاکمان و والیان بود (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۳)، پس از توسل مردم آمل به علویان از ظلم حکومت طاهریان و بیعت با حسن بن زید علوی در «۲۵۱ه.ق»؛ او و محمد بن زید علوی آمل را محل اقامت خود قرار داده بودند (حکیمیان، ۱۳۶۸: ۷۷). حسن بن زید علوی دولت علوی را در طبرستان تأسیس کرد و آمل را مرکز آن ساخت و استیلای ۱۰۶ ساله عباسیان را در این سرزمین پایان بخشید، نقل است: تا روزگار حسن بن زید مردم طبرستان و دیلمان هنوز به دین اسلام نگرویده بودند (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۶۹). یعقوب لیث در سال «۲۶۰ه.ق» به طبرستان لشکر کشید و در جنگ با حسن بن زید علوی ساری و آمل را تصرف نمود (ابن اثیر، ۱۳۶۸، جلد ۱۸: ۱۲۴). خجستانی نیز در سال «۲۶۶ه.ق» در جنگ دیگر با حسن بن زید، بار دیگر برآمل و بعضی نواحی طبرستان تسلط یافت (طبری، ۱۳۷۵،

جلد ۱۵: ۶۴۸۹- ابن اثیر، ۱۳۶۸، جلد ۱۸: ۱۸۲). در «۲۷۸.ه.ق» پس از کشته شدن محمد بن زید، طبرستان به دست سامانیان افتاد و پیروان او در جنگل‌های اطراف کوهستان البرز پنهان شدند. مدتی بعد ابو محمد حسن بن علی یکی از نوادگان علی بن حسین (ع) معروف به ناصرالحق با سید ناصر کبیر، به خونخواهی محمد بن زید در گیلان و دیلمان خروج کرد و روی به آمل نهاد و در آن مشهد، مدرسه و دارالکتب ساخت (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۱۱۷-۱۱۸).



تصویر ۱ و ۲- مقبره ابو محمد اطروش ملقب به ناصرالحق، نخستین حاکم شیعی سرزمین طبرستان، دیلمان و گیلان- محله قدیمی شهر آمل- هراز نیوز ۱۴۰۰

به گفته جرجی زیدان حسن بن زید به داعی کبیر ملقب شد. ناصر کبیر (حسن بن علی، اطروش) در امور فرهنگی تلاش زیادی نمود و مدارس علمیه در نقاط مختلف طبرستان تاسیس نمود که مدرسه ای که در آمل ساخت از شهرت به سزایی برخوردار بوده است و آن را اولین مدرسه در جهان اسلام دانسته‌اند (موسوی و موسوی ۱۳۹۵، ۱۳۹-۱۴۰). در تصویر ۱ و ۲ نمایی از گنبد و مقبره ناصر الحق محل زیارت شیعیان مشاهده می‌گردد. موقعیت مرکزی آمل همچنان آن را به عنوان دومین شهر مهم طبرستان مطرح می‌نموده که بر کناره دریای دیلم قرار گرفته است (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۵۲)، و جایگاه والیان است (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۴۷)، مسجد، منبر و دارالعماره آمل شاخص شهری آن بوده و فرش‌های طبری منسوب به این شهر می‌باشد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۴۹). پس از ناصر الحق، حسن بن قاسم ملقب به داعی صغیر از «۳۰۴ تا ۳۱۶.ه.ق» حکومت کرد و در مصالای آمل کوشک‌های رفیع بنا نهاد، در عهد او اهل آمل آسوده بودند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، جلد ۱: ۲۹۸). پس از علویان، زیاریان و آل بویه که دست پرورده علویان و شیعی مذهب بودند، بر طبرستان فرمان راندند، در این زمان آمل رونق بسیار یافت، بازرگانان زیادی داشته است، فرش طبری، حصیر طبری، چوب شمشاد، نارنج و ترنج، گلیم سپیدگوش، گلیم دیلمی و دستارچه زربافت از آن به دیگر نقاط تجارت می



## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار

شده است، آب‌های روان همه جای شهر را فرا گرفته است (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۵). آمل در طی قرون اولیه اسلامی همواره به عنوان شهری مهم در طبرستان که کوه دماوند مشرف بر آن است (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۹). بزرگترین شهر و حاکم‌نشین طبرستان شناخته شد که از قزوین بزرگ‌تر بوده، بناها و عمارت‌های درهم آمیخته در آن فراوان بوده است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۲۳). و خندق شهر بی‌باره بوده که ربض آن دور شهر پدید آمده است (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۵). مقدسی «۳۷۵ه.ق» نخستین مورخی است که بیان خصوصیات شهری آمل می‌پردازد. وی آمل را قصبه طبرستان، و شهری نامبردار می‌داند که وسایل رفاهی ویژه، بیمارستان و دو جامع دارد که هر یک رواقی دارد، جامع عتیق نهری و درخت‌هایی دارد و در کنار بازار است، جامع دیگر نیز نزدیک آن بوده است (مقدسی، ۱۳۶۱، جلد ۲: ۵۲۶). در تصویر ۳ نمایی از مسجد جامع عتیق آمل مشاهده می‌گردد. آبادانی آمل منجر شده بود، در سال «۴۲۶ه.ق»، ملک مسعود به آمل طبرستان لشکرکشی کند، صاحبان شهر آن‌جا را ترک کرده و در جنگل‌ها و بیشه‌زارهای انبوه و تنگ راه و دشوار گرد آمدند. سلطان مسعود رو بسوی آنها نهاد و آن‌جا را بهم کوبید و بسیاری از آنان را اسیر نمود و مخالفان را کشت. در پی طلب بخشایش دارا و ابوکالیجار که به او نامه نوشتند و استقرار بلاد نمودند، سلطان تقاضایشان را پذیرفت و اموالی که مقرر بود بپردازند برای او فرستادند و بخراسان بازگشت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۷) - (ابن‌اثیر، ۱۳۶۸، جلد ۲۲: ۱۵۲). حسام الدوله اردشیر بن کینخوار اولین امیر از شاخه باوندیان بوده است که بعد از هرج و مرجی ممتد از جانب مردم به امارت طبرستان انتخاب شد، و مرکز حکومت را از ساری به آمل منتقل نمود و این امر بر رونق و آبادانی آمل افزود، لیکن در عهد او مغولان بر طبرستان استیلا یافتند و شهرهای آن را ویران نمودند. تا قبل از حمله مغولان به نواحی طبرستان این نواحی بسیار آباد بود و در مجموع ۲۷ شهر بزرگ و کوچک آباد در آن وجود داشت، اما در طی حملات مغولان آمل و دیگر شهرهای طبرستان کاملاً ویران گردیده‌اند و گویا برای مدتی این مناطق همچنان ویران باقی ماندند (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۳۸۸). قزوینی «۶۸۲ه.ق»؛ از آمل تنها به عنوان شهری در طبرستان یاد می‌کند و هیچ تأکیدی بر آبادانی آن ندارد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۳). مستوفی «۵۷۴۰ه.ق»، آمل را از اقلیم چهارم می‌داند که شهری بزرگ بوده و طهمورث آن را ساخته است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۹۸). شهر مجدد آباد گردید، چنانچه به روایت سید ظهیر در ایام دولتش در آمل هفتاد مدرسه معمور گشت (خواندمیر، ۱۳۳۳، جلد ۳: ۳۳۶). کیا فراسیاب چلاوی که رقیب خاندان آل باوند بود، فخرالدوله حسن را در حمام آمل به قتل رسانید و تا «۵۷۶۰ه.ق» بر منطقه آمل

فرمان راند، تا آن که در سال «۷۹۴ه.ق» تیمور در جریان عزیمت به ایران، در مسیر استرآباد و آمل حرکت کرده، قلاع و استحکامات مختلفی را که در مقابل او تاب آورده بودند بتصرف درآورد، و آشیانه اسماعیلیه را که از قتل عام هولآگو بسته بود بکلی ریشه کن کرد (سایکس، ۱۳۸۰، جلد ۲: ۱۷۹). در «۷۹۵ه.ق» امیر تیمور گورکان پس از گشودن قلعه ماهانه سر، به قتل عام اهالی آمل و دیگر نقاط مازندران پرداخت، و سادات آن ناحیه را به ماوراءالنهر تبعید کرد. در روزگار شاهرخ میرزا پسر تیمور، سادات از تبعیدگاه به آمل بازگشتند و آن را دوباره آباد کردند، ولی از آن پس آمل دیگر نقش مهمی در تاریخ ایران ایفا نکرد. در عهد صفویان، به ویژه در زمان شاه عباس اول، مازندران مورد توجه قرار گرفت و راهی از استرآباد و ساری به آمل احداث گردید، عمارات دلکش و باغات دلگشا در شهر طراحی شد و در کمال زیب و بها و نهایت خوبی و صفا اتمام یافت (ترکمان، ۱۳۵۰، جلد ۲: ۸۵۰). آمل در زمان افشاریه و زندیه دچار تحول دیگری شد و بر اساس موقعیت خود به عنوان شهری برای تجارت و ساخت و ساز ادوات جنگی بود. به واسطه موقعیت شهر در آمل توپ خانه‌ها بنا نهاده شد و مراکز داد و ستد از پیش بیشتر شد. این شهر در طول تاریخ بارها مورد تهاجم اقوام گوناگون قرار گرفته که آخرین حمله از سوی قوم مشایی که از بازماندگان و نوادگان چنگیزخان بودند صورت پذیرفته و در جنگ سیاه بیشه این قوم شکست سختی از اقوام بومی آمل خورده و فرمانده آن‌ها به نام نوشین به دست مازیار کشته شده و این قوم به محلی در دامنه دماوند با نام فعلی مشا تبعید گشتند. در دوران حکومت قاجار، جاده‌ای از تهران به آمل و راه آهنی از محمودآباد به آمل کشیده شد. از اواسط دهه دوم سده ۱۴ش آمل رو به آبادی نهاد و در آن بر پایه اسلوب صحیح، خیابان‌های وسیع و موازی با رودخانه هزار همراه با چند خیابان فرعی و ساختمان‌هایی چون بیمارستان، مهمانخانه و ادارات دولتی بنا گردید. در نهایت پس از یک دوره رکود و فترت تا اواخر دوره قاجار، شهر شاهد گام‌هایی چند در جهت احیای خود بوده‌است در این دوره خندق‌های اطراف شهر را خشک کردند.

### **شهر آمل در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی**

سفرنامه‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند درباره‌ی گذشته هر جامعه محسوب می‌شوند. در سفرنامه‌ها برخلاف کتاب‌های تاریخ و جغرافیا، به کوچک‌ترین مسائل اجتماع توجه شده و در آن‌ها از توده‌های مردمی، آداب و رسوم، اقتصاد، هنر، ادبیات و غیره سخن رفته است. بخش عمده‌ای از این اطلاعات ارزشمند حاصل نگارش سفرنامه‌هایی است که به وسیله‌ی سیاحان اروپایی به رشته‌ی تحریر درآمده

و باعث شناخت نسبتاً کامل ما از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، معماری، هنر و ادبیات دوره‌ای خاص شده است (اسماعیلی، ۱۳۸۷: ۴۰). آمل به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی خود از نگاه تیزبین گردشگران خارجی دورنمانده و هریک با توجه به شرایط ورود خود این شهر را توصیف کرده‌اند. از جمله این سیاحان جوناس هنوی می‌باشد که در زمان نادر شاه به ایران آمده بود و از آمل دیدن کرده در مورد این شهر نوشته؛ آمل شهرت و اعتبار خود را کمی از دست داده بود ولی به واسطه کانی‌های سنگ آهن فراوان به فرمان نادر آن‌جا را مهم‌ترین مرکز ریخته‌گری و ذوب آهن تبدیل نمودند و در آن‌جا گلوله توپ و تفنگ و نعل اسب تهیه می‌شد و حتی تصمیم گرفته شد که نیروی دریایی ایران را در آمل بسازند (هنوی، ۱۳۷۷: ۲۵۰). ولادمیر فنودوروویچ نیز در سفرنامه خود به کارخانه آهن‌ریزی آمل در نزدیک مازندران اشاره دارد و بیان می‌کند این کارخانه برای تولید گلوله توپ بوده است تا نادرشاه در فتوحات خود از آن‌ها بهره بگیرد (فنودوروویچ، ۱۳۹۴: ۲۸۹). ژوبر سفیر اعزامی ناپلئون به دربار فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۸؛ آمل را شهری بر روی کرانه چپ رودخانه هراز معرفی نموده که شهری باشکوه است، چهاردروازه دارد هرچند دری در آن وجود ندارد. همچنین مطالبی درباره رودخانه هراز و تمرکز کارگاه‌های ذوب آهن در کرانه‌های آن در کتاب خود ذکر کرده است. وی می‌نویسد؛ خیلی کارگر آهنکار در آمل به چشم می‌خورد، در پیرامون قلمرو آن‌جاست که معدن‌های مازندران را استخراج می‌کنند. بیشتر کوره‌ها و کارگاه‌های آهن‌گری در اطراف آمل و بر روی رود هراز و شعبه‌هایش گردهم آمده‌اند. کروسینسکی در مجموعه ده سفرنامه: شهر باستانی آمل در دامنه ارتفاعات و در کنار یک رودخانه واقع شده است. یک پل زیبا دوازده طاقه و یک قصر متعلق به شاه عباس معروفیت به سزایی به این شهر بخشیده است (کروسینسکی ۱۳۶۹: ۳۴۸). جیمز فریزر که در سال ۱۲۳۸ به عنوان بازرگان و دانشمند وارد ایران شد در سفرنامه خود آمل را شهری عالی و وسیع معرفی می‌کند، و سکنه شهر را مردمانی آبرومند و محترم می‌داند، که در زمان بازدید مجدد وی به سبب طاعون گسترده به ویرانه‌ای تبدیل شده است و عمارت‌ها، خانه‌ها و بازار آن ویران گشته است (فریزر، ۱۳۶۴: ۵۳۷-۵۳۸). رایینو در بین سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۹۱ در طی اقامت خود در ایران از مازندران و بالاخص آمل دیدن نموده و شرح مفصلی از شهر و ویژگی ساختار شهری آن ذکر می‌کند؛ وی آمل را شهری باشکوه در کنار رود هراز با چهار دروازه طهران یا لاریجان، دروازه بارفروش، دروازه تلککه سر و دروازه نور معرفی می‌کند، ویژگی جالب دروازه‌ها عدم وجود دری برای آن‌ها ذکر گردیده است. آمل در زمان بازدید

وی دارای دو هزار خانه بوده و دو محله نیز در ساحل شرقی هراز قرار داشته است که به وسیله پلی به شهر مربوط می‌شده این پل دارای دوازده طاق بوده و به پل دوازده پله موسوم بوده است. وی در ادامه به ده طایفه شاخص که سکنه آمل را تشکیل می‌دهند اشاره دارد و بناهای شاخص شهر را ذکر می‌کند (رابینو، ۱۳۸۳: ۷۰). مار کام جغرافی شناس بریتانیایی در قرن نوزدهم در کتاب تاریخ ایران در دوره قاجار، آمل را این گونه توصیف می‌کند: در شش فرسنگی بارفروش در کنار رودخانه هراز شهر آمل بنا شده است. در نزدیکی شهر آمل مدفن امامزاده‌ای است موسوم به امامزاده مطلب. شاه عباس کبیر بقعه‌ای از جهت آن حضرت در آنجا بنا نموده است. سرچشمه رودخانه هزار کوه دماوند است. این رودخانه از کوهستان و جبال لاریجان عبور نموده به آمل می‌رسد و از آنجا وارد دریای خزر می‌شود. اسک پایتخت لاریجان قریه‌ای است و در کمر کوهی واقع است که از شعبات کوه دماوند است و آب هراز از زیر این کوه عبور می‌کند. در اسک و لاریجان چشمه‌های آب معدنی آهن و گوگرد و غیره زیاد است و از این جهت بعضی از امراض این آب‌ها نفع کلی دارند. چشمه گوگردی آبگرم لاریجان تقریباً دو سنگ آب است که از زیر کوه دماوند جاری است و شدت حرارت آن به درجه‌ای است که چون تخم مرغی در او نهند به فاصله ربع ساعت پخته شود. زیادی جنگل و باتلاق مازندران موجب گرمی هوا و حدوث امراض مختلفه است و در فصل تابستان در آنجا ماندن بسیار مشکل است. بیشتر از اهل مازندران در این فصل به بیلاقات لاریجان و کوهستان البرز می‌روند. مردمان مازندران خیلی وجیه و صبیح هستند و تربیت فطری و طبیعی دارند (مارکام، ۱۳۶۷: ۲۲-۲۵). در تصاویر ۵ و ۱۲ نمای پل ۱۲ چشمه مشاهده می‌گردد.



تصویر ۵ و ۱۲، پل ۱۲ چشمه الف-یکی از دهانه‌ها ب- نمای شمالی ۱۲ چشمه، منبع سایت ویکی

مدیا ویکی‌اشیا Wikimedia Commons

**جغرافیای سیاسی مازندران «آمل» در دوران صفویه و قاجار**

در غرب استرآباد، ایالت باریک و ساحلی مازندران قرار داشت و شامل زمین‌های حاصل‌خیز میان سلسله جبال البرز و دریای خزر و مستور از جنگل بود و مثل امروز هوایی مرطوب داشت (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۶). با توجه با اینکه منطقه مازندران و آمل از لحاظ جغرافیایی و اقلیمی یک منطقه توریستی می‌باشد تحولات شایان توجهی در این مناطق اتفاق نیفتاده است و شاید از مهم‌ترین اتفاقات این دوران بتوان به مواردی که در ذیل آمده اشاره داشت. در دوران شاه اسماعیل به دلیل اینکه درگیر جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی و نیز سر و سامان دادن اوضاع مملکت بوده است بجز در پایتخت صفویه در دیگر مناطق ایران فرصتی برای ساخت و ساز و یا رسیدگی کمتر وجود داشته است و مازندران نیز از این اصل مستثنی نمی‌باشد. تنها اتفاق دوره شاه اسماعیل را شاید بتوان لشکرکشی وی به مازندران در سال ۹۲۳ ه.ق. دانست. اما در دوران شاه تهماسب به این منطقه توجه شد به طوری که قبادالحسینی در کتاب خود تاریخ ایلچی نظام شاه به آن اشاره کرده و می‌نویسد: «... و سبب توجه حضرت شاه خلافت پناه به جانب مازندران آن شد که آقامحمد روزافزون که والی ساری بود متصدی قتل میرشاهی که ولد سیدعبدالکریم و حاکم آمل و بار فروش ده بود شده، به غدر و مکر آن سید بزرگوار را به درجه شهادت رسانیده حضرت شاه خلافت پناه از استماع آن فعل مقرون به شناعت، عرق سیادت به حرکت درآمده در سنه اثنی و خمسین و تسعمایه (۹۵۲) به قصد انتقام خون سید عالی شأن رایت عزیمت به صوب مازندران برافراخت» (قبادالحسینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). بعد از شاه تهماسب جانشین وی شاه عباس نیز توجهش به مازندران جلب شد و در سال ۱۰۰۵ ه.ق. به سمت مازندران حرکت کرده و سپس از آنجا به اصفهان رفت و حکومت ولایت مازندران را به فرهاد خان داد و بعد از سعی بسیار آمل را به تصرف درآورد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۱۶۴-۱۶۳). روزبهان در کتاب خود عالم آرای امینی در این خصوص می‌نویسد: «...بلاذ مازندران مدتی مدید بود تا در حوزه ضبط نواب کامیاب درآمده و امیر زین‌العابدین که حاکم آن ولایت بود، سر طاعت نزد بندگان حضرت اعلی فرود آورده، مال و خراج هر ساله به نواب دیوان جواب می‌گفت. بعد از وی برادرش امیر شمس‌الدین به سلطنت و حکومت ساری امیدوار بود اما امیر عبدالکریم که پسر عموی امیر زین‌العابدین بود و مدعای سلطنت ساری بود به مخالفت با او برخاست و با امیر شمس‌الدین جنگید» (روزبهان، ۱۳۸۲: ۲۳۸)؛ و هم در آن قشلاق ولات دارالمرز در باب مهمات و قرار ولایت مازندران و هزار جریب و رستم‌دار به ابواب درگاه فلک بارگاه گفت و شنود بسیار نموده بالأخره به وساطت جناب سیف الانامی خواجه مظفر بتکچی بر این موجب مقرر شد که از

بلاد مازندران چهار دانگ تعلق به امیر عبدالکریم و دو دانگ موقوف به آقا محمد روز افزون باشد مشروط بر آنکه دو حاکم هفت هزار تومان به دیوان اعلیٰ واصل گردانند و مهمات امیر حسین و سادات هزار جریب نیز بر هزار تومان قرار گرفت (حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۱۸) (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۳۵). چون خاطر خطیر شاه عباس از ارسال صدارت پناهی و تعمیر قلعه فراغت حاصل نمود عساکر منصوره را رخصت انصراف به اقطاعات خویش داده به طواف قدسی مطاف آبا و اجداد عظام متوجه دارالارشاد اردبیل گردیدند و از روحانیت آن بزرگوار استمداد نموده از طریق گیلانات عنان یکران به صوب مازندران جنت نشان انعطاف دادند و در آن ولایت قشلاق نموده طرح بنای فرح افزای فرح آباد بر خاطر همایون خطور نمود (حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۳۸). جنابدی در کتاب روضه الصفویه خود به ساخت فرح آباد اشاره داشته و می نویسد: «هوای مازندران موافق مزاج شاه عباس بود به همین دلیل مایل بود در این ولایت اقامت گزینند، بنابراین تصمیم به ساخت شهری در آنجا گرفت که برای آن فضای وسیعی را اختیار نمود که رودخانه [ای] که از انهار مشهوره دارالمرز است بر وسط آن جریان داشته باشد و چون به هنگام بهار و زمستان بر طبق هوای مازندران امطار بسیار در آن ولایت نازل می گردد و اکثر اوقات بواسطه نزول باران گل و لای بسیار موجود می گردد و این گل و لای موافق طبع اشرف نیست امر اعلیٰ به نفاذ پیوست که از راه عراق و گیلان و استرآباد و دیگر محال طریقی که بدان بلده منتهی شود تا محلی که گل و لای موجود باشد در عرض بیست زرع از ریگ روان مملو سازند. دیگر کوچه ها و ممر عبور مردم در درون شهر و سطح میدان مجموع فرش سنگ نمایند و بعضی از ریگ روان مملو گردانند. الحال آن بلده به نوعی است که اگر تمام عمر باران روان باشد در راه و کوچه و بازار آن بلده اصلاً از گل و لای اثری ظاهر نمی گردد» (حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۴۱). شاه عباس در سال ۱۰۲۲ه.ق. متوجه مازندران بهشت نشان گردیده، حکم به بنای شهر ارم نشان اشرف که از متنزهات روزگار است فرمودند (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۱۸۱). جنابدی در جای دیگری از کتابش در خصوص ساخت شهر اشرف اینگونه می نویسد: «چون طبع اشرف بلده اشرف را از حیثیت هوا مطبوع دانسته و استعداد منازل که در خور نشست پادشاهان است به فرح آباد متمایز است و بهتر در آن موضع هر عمارات عالیه و بستان های خرم طرح انداخته- اند و دولتخانه همایون در آن بلده هر طرح که انداخته اند به مراتب از دولتخانه فرح آباد نیکوتر افتاده اکثر اوقات در اشرف بر سریر کامرانی متمکن اند و توجه خاطر اشرف بیشتر از فرح آباد و امرا و اعیان حضرت و مقرران درگاه و خدمه بیوتات و کارخانجات در آن بلده منازل مرغوب به

اتمام رسانیده به شرف محلّ سریر عرش نظیر آن نیر اعظم بوده در ظلّ عاطفتش اهل جهان آسوده و مرفه الحال به دعای دولت و اقبال اشتغال نمایند» (حسینی جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۴۱). از زمانی که این دو کاخ ساخته شدند شاه به طور روزافزونی اوقات خود را در آنجا می‌گذراند. به طوری که در فاصله سال‌های ۱۰۲۱ تا ۱۰۳۳ ه.ق. شاه تنها شش تابستان را در ناحیه اصفهان گذراند و روی هم رفته تمام یا بخشی از زمستان یازده سال آخر عمرش را در مازندران سپری کرد (اسکندریک، ۱۳۱۷: ۱۰۷۷). همچنین در سال ۱۰۳۳ ه.ق. قشلاق شاه عباس در مازندران بود (استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۲۵). وی حتی به هنگام درگذشت در سپیده دم روز سه‌شنبه ۲۴ جمادی الاول ۱۰۳۸ ه.ق. ۱۹ ژانویه ۱۶۲۹ م. نیز در اشرف بود. همه این توجهات موجب رشد و توسعه بسیار این دو پایگاه که در حقیقت پایتخت‌های دوم شاه عباس اول محسوب می‌شدند، گردید (اسکندریک، ۱۳۱۷: ۱۰۷۷). دولت شاه عباس اول، از ترقی تجارت و صنایع و حرف‌پشتیبانی می‌کرد و با راهزنان بی‌رحمانه مبارزه می‌نمود، و بدین وسیله امنیت طرق تجارتي را تأمین می‌کرد و کاروانسراها می‌ساخت و جاده‌های جدید احداث می‌کرد. از جمله جاده‌های جدید الاحداث یکی جاده شوسه وسیع سنگفرش کرده‌ای بود که در امتداد ساحل بحر خزر در مازندران به طول ۲۷۰ کیلومتر احداث شده بود (راوندی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۰۲-۴۰۱) و (سایکس، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۵۷). شاه صفی در سال ۱۰۴۸/۴۹ ه.ق. بعد از مدت زیادی اقامت در قزوین تصمیم رفتن به ولایت مازندران را می‌گیرد و از راه دارالمرز و دریاکنار متوجه آن شهر می‌گردد و در هر شهری که وارد می‌شد اسباب عیش و عشرت آماده بود. با رسیدن نوروز ۱۰۴۹ ه.ق. شاه صفی از قشلاق مازندران به دارالسلطنه اصفهان می‌رود (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۷۸). در زمان شاه صفی، میرزاتقی مشهور با ساروتقی منصب وزارت مازندران را عهده‌دار بود و هم در این زمان عمارات و ابنیه عالی و نیز راه‌ها و خیابان‌هایی در آنجا احداث شد که بر اعتبار وی افزود و وزرات گیلان نیز به میرزاتقی داده شد (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۴). شاه عباس ثانی، که بعد از مرگ شاه صفی در سال ۱۶۴۲ م. ۱۰۵۲ ه.ق. به سلطنت رسید مازندران و چند بخش دیگر را جزو «خاصه» محسوب کرد (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۱۹). بعد از وی شاه تهماسب دوم به حکومت رسید که از اصفهان گریخته و به مازندران رفته بود، پس از فوت پدرش سلطان حسین خود را پادشاه نامید. در زمان شاه تهماسب صفوی، محمد علی خان مامور شده بود که خزینه و اسباب دوره سلطنت وی را که در مازندران بود، به اردوی شاهی منتقل کند (هنوی، ۱۳۶۵: ۱۷-۱۶).

پیدا کرد و تمام سپاهیان وی را از بین برد (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۲۴۳). در اواخر ماه مه ۱۷۲۶م. ۱۱۳۸ه.ق. شاه تهماسب دوم در شهر اشرف از فتحعلی خان قاجار شکست خورد (لاکهارت، ۱۳۴۴: ۲۴۵). پس از دوره صفویه که به آبادانی و رونق مازندران انجامید، این منطقه درگیر منازعات و درگیری‌هایی شد. هنگام تشکیل سلسله صفویه، طایفه قاجار به یاری آنان برخاستند و دوشادوش لشکریان قزلباش، در رکاب شاه اسماعیل صفوی شمشیر می‌زدند. پس از آنکه شاه عباس کبیر به سلطنت نشست، آنان را از محل اصلی خود کوچانید. دسته‌ای را در مرو و عده‌ای را در گرجستان و دسته سوم را در دو سوی رودخانه گرگان (استرآباد) مستقر ساخت. از این طایفه، آنان که در سمت راست گرگان سکونت داشتند، یوخاری باش و عده‌ای را که در ساحل چپ گرگان سکنی گزیده بودند، اشاقه باش خوانده می‌شدند و بین آنان، غالباً بر سر امور مادی و اقتصادی نظیر آب و چراگاه و غیره اختلاف و نزاع بود. با افول سلسله زندیه، بار دیگر حکومت و فرمانروایی از دست ایرانیان خارج گردید و طایفه قاجاریه که اصلاً از نژاد مغول بودند، زمام امور را به دست گرفتند (راوندی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۸۳). در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم هجری قیام و جنبش ایلات قاجار توسعه می‌یابد و این ایل در برابر حکومت زندیه، قدرت جدی تشکیل می‌دهد که آن را باید پایه‌ی اصلی زمامداری آینده‌ی قاجاریه دانست (شمیم، ۱۳۸۷: ۲۷). قاجارها از اواسط قرن دهم تا سال ۱۱۹۳ه.ق. که آقامحمدخان به پادشاهی رسید، نزدیک ۲۵۰ سال در دوره صفویه و دوره افشارها و زندیه در حوادث ایران دست اندر کار بوده‌اند (نفیسی، ۱۳۳۵: ۲۵). آقامحمد خان صلاح کار خود را در این دید که پایتخت خود را در جایی قرار دهد که نزدیک‌تر به طوایف قاجار باشد و به همین جهت شهر تهران را که در اواخر صفویه در نتیجه آمد و رفت‌های پیایی پادشاهان صفوی قصبه بزرگی شده و در زمان کریم خان آبادتر گردیده بود پایتخت خود کرد و برج و بارویی برای آن ساخت و در این شهر به پادشاهی ایران نشست (نفیسی، ۱۳۳۵: ۴۶). هنگامی که افراد خاندان زند در مرکز و جنوب ایران بر سر به دست گرفتن قدرت سرگرم زد و خورد بودند، در شمال (در مازندران و استرآباد)، قاجاران به استوار کردن مواضعشان می‌پرداختند. از میان خان‌های قاجار آقامحمد خان که مردی بی‌رحم و پرتوان بود به پا خاست، او مدت ۱۵ سال در شیراز نزد کریمخان زند به عنوان گروگان به سر می‌برد. پیش از مرگ کریمخان آقامحمد خان از شیراز گریخت و به منطقه‌ای که ایل قاجار سکونت داشت (در ناحیه استرآباد) رفت. در اینجا میان آقامحمد خان و برادرانش برای به دست گرفتن قدرت ستیز درگرفت، آقامحمد خان ضمن پیکار پیروز شد. در سال‌های بعد برادرانش کوشش کردند با او مخالفت کنند،



## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار

اما تلاش‌هایشان بی‌نتیجه ماند و شکست خوردند. آقامحمدخان پس از آنکه قدرتش را بر ایل قاجار استوار کرد بر آن شد دامنه چیرگیش را بر مناطق همسایه‌اش در ایران گسترش دهد. به سال ۱۷۸۳ م. بر استرآباد، مازندران و گیلان چیره گردید، به سال ۱۷۸۵ م. قاجاران تهران را گرفتند. به سال ۱۷۸۹ م. آقامحمدخان شیراز را محاصره کرد، اما شهر دارای برج و باروهای استواری بود و آقامحمدخان توپ و وسائل شکستن این استحکامات را در اختیار نداشت. بنابراین پس از یک ماه محاصره بی‌نتیجه، با ارتشش به تهران برگشت. به سال ۱۷۹۱ م. آقامحمدخان تقریباً سرتاسر آذربایجان را به تصرف درآورد (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۱۴). مازندران، در دوره قاجاریه، یعنی از سال ۱۲۱۰ قمری، مقارن با تاجگذاری آقامحمدخان قاجار، رویدادهای گوناگونی را پشت‌سر گذاشت. در آن هنگام که آقامحمدخان سرگرم تصرف ایالات مختلف ایران بود، جعفرقلی خان برادر آقامحمدخان، پس از آن که گروهی از افغانه لاریجانی را، که در آمل به دستور علیمردان خان به مقابله با آقامحمدخان برخاسته بودند شکست داد، به امور مازندران پرداخت. در زمان حکومت محمد شاه قاجار که از سال ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ قمری ادامه داشت، فردی به نام اردشیر میرزا حکمران مازندران شده بود. پس از محمد شاه و در دوره ناصرالدین شاه قاجار، که تا ۱۳۱۳ قمری بر ایران سلطنت کرد، مهدقلی میرزا به جای خانلرمیرزا در ۱۲۶۴ قمری به فرمان ناصرالدین شاه حاکم مازندران شد (شیبانی، ۱۳۶۶: ۶ و ۷۳ و ۱۰۰). در سال ۱۲۹۲ قمری ناصرالدین شاه خود به مازندران سفر کرد و در کتابش به نام روزنامه سفر مازندران از آنجا - البته بیشتر از تفرج و شکار - یاد می‌کند. محمد حسن خان اعتماد السلطنه از انتقال ماهانه هزار تن شکر سفید بسیار مرغوب از مازندران به دارالخلافه در سال ۱۲۹۶ قمری خبر می‌دهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۵۳-۱۱۵۲)؛ که نشان دهنده رونق این محصول در مازندران بوده است. در سال ۱۲۹۷ قمری نیز ناصرالدین شاه به نواحی بیلاقی مازندران از جمله کلاردشت، سفر کرد و مدتی را در آنجا گذراند. او در سال ۱۳۱۰ قمری، میرزا عبدالله خان میرپنجه را والی مازندران و استرآباد کرد و منصب امیر تومانی به وی بخشید. پس از ناصرالدین شاه، در سال ۱۳۱۳ قمری مظفرالدین شاه به سلطنت رسید و سه سال بعد احمدخان علاءالدوله را به ایالت و حکمرانی مازندران منصوب کرد. احمد خان در سال ۱۳۱۷ قمری با توجه به اهمیت استرآباد و با نظر شاه به حکمرانی آنجا منصوب شد و برادرش، معین الدوله، به حکمرانی مازندران رسید. یک سال بعد حکومت مازندران به ظهیرالدوله واگذار شد (شیبانی، ۱۳۶۶: ۲۱۸ و ۲۶۶ و ۳۴۵ و ۳۵۹ و ۳۷۳). از مهم‌ترین اتفاقات در مازندران در زمان آقامحمدخان شاید بتوان به

جنگ وی با برادرانش برای رسیدن به زیر سلطه آوردن مازندران باشد. در جنگ بین آقامحمدخان و دیگر برادرانش در حوالی مازندران و استرآباد، ساری به دست آقامحمدخان افتاد. رضاقلی خان یکی از برادران آقامحمد خان که از وی شکست خورده بود به لاریجان گریخت و در آنجای بنای فتنه‌گری گذاشت. مرتضی قلی خان برادر دیگر برای بار دوم از استرآباد به فیروزکوه حمله برد و رضا قلی خان هم از لاریجان به او پیوست و نیز مهدی قلی خان که آقامحمد خان او را برای دلجویی مردم لاریجان فرستاده بود با ایشان همدست شد. چون این خبر به آقامحمدخان رسید جعفرقلی خان را از قزوین مامور مازندران کرد و خود در پی او روانه شد. جعفرقلی خان در مازندران با مرتضی قلی خان جنگ سختی کرد و جعفر قلی خان شکست خورد و از راه درختستان مازندران گریخت و بار دیگر سپاهی آماده کرد و در «خواجک» در سرزمین کجور با رضاقلی خان روبرو شد، او را شکست داد و دنبال و گرفتار کرد و نزد آقامحمد خان برد. وی هم او را بخشید و نزد خود نگاه داشت. سپس جعفرقلی خان را برای سرکوب مردم لاریجان آمل فرستاد پس از فتح طبرستان رضا قلی خان قاجار قواملو را حکمرانی آمل داد و رضا قلی خان برادر خود را برای سرکوبی مردم لاریجان به آنجا روانه کرد (نفیسی، ۱۳۳۵: ۲۷۲). مارکام از سیاحان دوره قاجار که از مازندران دیدن کرده در توصیفات خود به ساخت بناهایی از دوره شاه عباس و نیز قاجارها اشارتی داشته است. از جمله اینکه وی درباره راه‌های دسترسی به مازندران و طبیعت آنجا صحبت می‌کند.

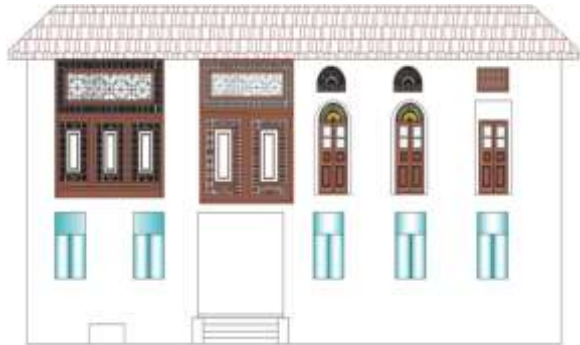
### شهرنشینی و مسکن بومی آمل

در متون و منابع مکتوب مطالبی پیرامون شهر آمل و روستاهای اطراف آن آمده است که این منابع بیشتر مربوط به قرون میانه اسلامی به بعد می‌باشد و بیشتر آنها به تحولات شهری در اوایل دوران اسلامی اشاره دارد. معماری بومی هر منطقه تحت تأثیر شرایط اقلیمی، جغرافیایی و فرهنگی آن منطقه به وجود می‌آید. در اقلیم معتدل و مرطوب تابستان‌ها نسبتاً گرم و زمستان‌ها نسبتاً سرد است و مشکل عمده آن رطوبت زیاد هوا است. در این اقلیم، در همه فصول میزان رطوبت بالاست به حدی که در تابستان هوا شرجی می‌شود، لذا برای تامین آسایش انسان، استفاده از کوران هوا در فضاهای زندگی ضروری است. در این مناطق به دلیل وجود بارش‌های زیاد احتمال وقوع کج باران نیز وجود دارد؛ لذا از یک طرف، باید از مصالح نفوذناپذیر و مقاوم در برابر آب باران استفاده کرد، و به خصوص نماهای رو به باد غالب را از فرسایش کج باران محافظت نمود و از طرف دیگر، امکان تخلیه سریع آب باران را فراهم کرد (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۹۰: ۳۲). به طور کلی شکل مسکن

در این منطقه آب و هوایی نیز بیشتر متأثر از عنصر بارندگی و مبارزه با پدیده‌های ناشی از آن است؛ از قبیل: فرسایش و ایجاد رطوبت، دفع آب از پوشش فوقانی و ممانعت از نفوذ آن به داخل بنا، علاوه بر این موارد، جهت باد نیز در شکل ساختمان‌ها موثر است (خورانی، ۱۳۸۵: ۵۱). ویژگی‌های معماری بومی و سنتی این مناطق که بهترین هماهنگی و سازگاری را با اقلیم خود دارند، به شرح زیر است: در مناطق با رطوبت زیاد، ساخت خانه‌ها بر روی پایه‌های چوبی صورت می‌گیرد، ولی در دامنه‌ی کوه‌ها که رطوبت کمتر است، معمولاً خانه‌ها بر روی پایه‌هایی از سنگ و گل و در پاره‌ای موارد بر روی گربه‌روها بنا می‌شود. برای حفاظت از باران به عنوان عامل تخریبی، ایوانک‌های عریض و سرپوشیده‌ای در اطراف اتاق‌ها ساخته می‌شود. مصالح ساختمانی سبک توامان در کنار مصالح با حداقل ظرفیت حرارتی برای ساخت بنا استفاده می‌گردد (کسمایی، ۱۳۸۴: ۸۷-۸۶). فرم‌های کشیده در جهت محور شرقی-غربی مورد تایید در این اقلیم است (کسمایی، ۱۳۷۱: ۱۲۲). فرم‌های کشیده در جهت محور شرقی-غربی مورد تایید در این اقلیم است (کسمایی، ۱۳۷۱: ۱۲۲). پلان بناها به صورت گسترده و باز است و فرم کالبدی آن‌ها بیشتر شکل‌های هندسی، طویل و باریک می‌باشد به منظور حداکثر استفاده از وزش باد در ایجاد تهویه طبیعی در داخل اتاق‌ها، جهت قرارگیری ساختمان‌ها با توجه به جهت وزش نسیم‌های دریا تعیین شده است، در نقاطی که بادهای شدید و طولانی می‌وزد، قسمت‌های رو به باد ساختمان‌ها کاملاً بسته است. در تمام ساختمان‌های این مناطق، بدون استثنا از کوران و تهویه طبیعی استفاده می‌شود. به دلیل فراوانی آب و امکان دسترسی به آن در هر نقطه، سازماندهی ساختمان‌ها به صورت غیرمتمرکز و پراکنده است. به دلیل بارندگی زیاد در این مناطق، بام‌ها عموماً شیبدار است و شیب بیشتر آن‌ها تند است (کسمایی، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۷).

طرح فضایی گسترده برای استفاده از جریان هوا امری بدیهی است، اما تمهیداتی جهت محفوظ نمودن بنا از بادهای سرد و گرم وجود دارد، به منظور جلوگیری از فرسایش نمای ساختمان در مقابل بادهای توام با باران، سقف شیبدار ساختمان از دیوارها جلو آمده و چون چتری آن را محافظت می‌کند. در برخی از بناها، این جلو آمدگی به شکل غلام گردشی در پیرامون بنا مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده از رنگ‌های متنوع در جداره‌های خارجی و سقف ساختمان متداول است که هم با طبیعت سرسبز منطقه هماهنگی دارد و هم به دلیل کم بودن شدت تابش آفتاب و بالا بودن ساعات ابری دچار رنگ پریدگی و خورشید زدگی نمی‌شود. استفاده از ارسی‌های بزرگ با شیشه رنگی به

خصوص در خانه‌های اعیانی مرسوم بوده که خاصیت دو عملکردی به اتاق اصلی می‌داده است. در تصویر ۶ طرح و نمای خانه قریشی مشاهده می‌گردد.



تصویر ۶- طرح نمای غربی خانه قریشی، آرشیو مرکز اسناد میراث فرهنگی آمل-۱۳۹۸

در زمستان و ایام سرد، بسته بودن ارسی فضا را به اتاقی گرم تبدیل می‌کرده، در حالی که در تابستان یا روزهای گرم، بالا بردن ارسی امکان گردش هوا و تبدیل اتاق به ایوان را فراهم نموده است (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۹۰: ۳۴). به دلیل رطوبت زیاد منطقه، فضاها باید دارای سقف بلند باشند تا با فراهم نمودن حجم بیشتری از هوا، از افزایش دما و رطوبت در فضای بسته جلوگیری به عمل آید. در مواردی که امکان استفاده از فضاهای به صورت زمستان نشین و تابستان نشین وجود دارد، فضاهای زمستان نشین باید دارای سقف کوتاه و محفوظ از باد باشد تا آسان تر گرم شده و گرما را بهتر در خود نگهداری نماید (طاهباز و جلیلیان، ۱۳۹۰: ۴۸). نکته مهم در آمل اختلاف ارتفاع نسبت به دیگر شهرهای مازندران و اختلاف در میزان رطوبت به ویژه شهرهای شرقی و غربی این استان می باشد که موقعیت به مراتب بهتری نسبت به شهرهایی که ارتفاع کمتری دارند ایجاد می نماید. بازشوها در معماری این منطقه به دلیل باران فراوان در عین بزرگی و کثرت باید دارای سایه بان‌های وسیع و گسترده نیز باشند. در دوره قاجار علاوه بر بناهای مذهبی و حکومتی، عمده ساخت و سازها به علت افزایش جمعیت شهرنشین معطوف به ایجاد خانه برای مهاجرین و تازه واردین بود به طوری که متخصصان، معماری این دوره را معماری خانه‌سازی و خانه‌های مسکونی نامیده‌اند (توکلی و زارع پاکزاد، ۱۳۹۲: ۳). در شکل‌گیری معماری قاجار عوامل متعددی دخیل‌اند که آن‌ها را به دو عامل داخلی و خارجی تقسیم می‌کنند، (۱) عوامل داخلی: منظور عواملی است که برگرفته از معماری سنتی ایران به خصوص دوران صفویه است. این اثرپذیری را می‌توان در خانه‌های مسکونی، ابنیه مذهبی از جمله مساجد، تکایا، حسینیه‌ها،

امامزاده‌ها و همچنین در بنای قهوه‌خانه‌ها، یخچال‌ها و غیره مشاهده کرد. ۲) عوامل بیرونی: عمده‌ترین عوامل شکل‌دهنده معماری قاجار را عوامل بیرونی تشکیل می‌دهند؛ عواملی که از کشورهای بیگانه مخصوصاً کشورهای غربی و روسیه گرفته شده است (حجازی، ۱۳۹۵: ۳). در بررسی خانه‌های دوره قاجاریه مشاهده می‌شود که روابط فضایی موجود در خانه‌ها تفاوت‌های اساسی با دوره‌های قبل‌تر ندارد و روابط فضایی در مقایسه با دوره‌های قبل یکسان و هم‌شکل است، اما در دوره قاجاریه رشد سفرهای خارجی از جمله به روسیه و اروپا از طرف افراد متمول و شاهزادگان و درباریان قاجار باعث ظهور پدیده‌ای در فضاها می‌گردد که آن را برخی‌ها معماری کارت پستالی نامیدند (اورکاد و عدل، ۱۳۷۵). به عبارت دیگر شیوه جدید در پوسته برخی فضاها شهری و فضاها مسکونی به وجود آمد که در آن فضاها داخلی همانند گذشته شکل می‌گرفت، اما نماها، جداره‌ها و موتیف‌های تزئینی در خانه‌ها گریه‌برداری از تزئینات و جداره‌های موجود در معماری غرب بود، ظهور تزئینات طبیعی و واقعی (رئال)، تصویرسازی انسانی در مقیاس وسیع، شکل‌های هلال و سنتوری موجود در نما به همراه ایوان‌های کشیده و طولانی، بخشی از واردات معماری مسکونی در دوره قاجاریه بوده است. «معماری دوره قاجار، گذشته از مبحث فضا و ترکیب‌های حجمی، به خصوص در خانه‌های این دوره که از تعدد و کیفیت فضایی با غنایی برخوردار است، از یک طرف پذیرش و تأثیرپذیری‌اش از معماری غرب تنها در فرم‌ها و اشکال ظاهری است بدون آنکه از تکنولوژی ساخت و عواملی که در قوام و پایداری ساختمان موثر هستند، استفاده نماید و از طرف دیگر استحکام و دقت در ساخت را که میراث سنتی گذشتگان است از دست می‌دهد و تنها به ظرافت‌های ظاهری تکیه می‌کند» (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۴)

### جایگاه و نقش تزئینات وابسته به مسکن در آمل

معماری خانه‌ها در اوایل تا اواسط دوره قاجار با دو بخش اندرونی و بیرونی، کارکرد خود را حفظ نموده که وجه تمایز اصلی خانه‌های منسوب به این دوره از سایر دوره‌ها می‌توان برشمرد. خانه‌ها به صورت درونگرا با حیاط مرکزی بوده و حفظ درونگرایی و حرمت فضاها با استفاده از هشتی و راهروها به عنوان فضای واسط تأمین شده است. فضاها سکوتی در دو سمت حیاط استقرار یافته و بخش رو به آفتاب معمولاً در دو طبقه بنا شده که بخش فوقانی اتاق‌های شاه‌نشین، پنج دری و هفت دری را در بر می‌گرفت و در بخش پشت به آفتاب (نسر) از ایوان نیز استفاده شده

بود. فضاهای خدماتی و انبار در سوی دیگر حیاط استقرار می‌یافتند. همچنین حضور ایوان در نمای اصلی ساختمان، فارغ از جهت‌گیری آن کاربرد داشت. ورودی خانه‌ها با جلوخان و پوشش نیم طاق و تزیینات آجرکاری و استفاده از آیات قرآنی، در قالب کاشی‌کاری مشخص می‌شد. به ویژگی خانه‌های این دوره، تقارن در نما و پلان، حیاط مستطیل شکل، پله و راه ارتباطی اشکوب‌ها به دور از دید و همچنین اجرای سقف اول (زیرزمین و حوض‌خانه) به صورت طاق‌های چهار ترک، ضربی و با خیز کم و سقف دوم و سوم تیرپوش با لمبه‌کوبی به صورت تخت، می‌توان اشاره کرد. در این بناها از بازشوهای منفرد و دو لته که سطح نورگذر آن در طبقه فوقانی بیشتر از طبقه همکف بوده، استفاده شده است. مصالح عمده خانه‌ها به ویژه نماها از آجر بوده که در بخش داخلی جرزها و دیوارها از خشت نیز بهره گرفته شده است و به منظور تقویت سازه‌ای، کلاف-بندی چوبی در داخل دیوارها به کار می‌رفت. تزیینات نمای بیرونی از انواع نقوش گل‌انداز آجری و آجرترش، کاشی‌کاری و معقلی بوده و در لبه بام با تکرار گیلویی‌ها به صورت قطاربندی و مقرنس آجری یا همراه کاشی و دندانه موشی‌های لعابدار کاربرد داشته است که در نمای سردر ورودی خانه نیز تکرار می‌شد و در فضاهای داخلی تزیینات گچبری و نقاشی یا آجرکاری به صورت محدود استفاده شده است. از اواسط دوره قاجار تا پایان این دوره معماری ایران تحت تأثیر هنر و معماری غرب قرار گرفته و کاربرد قوس‌های نیم دایره به تقلید از معماری غرب گسترش می‌یابد. تزیینات نماهای رو به حیاط بیشتر می‌شود. تزیینات ستون‌ها و سرستون‌ها ساده-تر و با الهام از ویژگی‌های آجر است. تأکید بر ورودی با ایجاد جلوخان ساده و سکوی پیرنشین، کشیدگی و ارتفاع دادن به سردر، همراه با تزیینات گیلویی به شکل قطاربندی مقرنس آجری ساده و کاشی‌کاری در محل اتصال رخبام به خط آسمان مشاهده می‌شود. در زیر سقف فضاهای داخلی از تزیینات گره‌بندی چوبی استفاده شده و برای اولین بار ایجاد نورگیرهای کوچک بیضوی، مدور و مستطیل شکل حد فاصل بازشوها در جداره خارجی و در دو سوی بازشوی اصلی در محور تقارن نما مورد توجه قرار می‌گیرد. حتی از این فضا به عنوان محل چراغ برای روشنایی استفاده شده است. تلفیق معماری سنتی با نمادهای معماری کلاسیک اروپا به خصوص استفاده از فرم‌های سنتوری و مثلثی شکل در بالای بازشو و پنجره‌ها در نماهای اصلی و همچنین به کارگیری تزیینات آجری و کاشی‌کاری برای نماهای اصلی و استفاده از گچبری و نقاشی رنگی در داخل بنا از ویژگی‌های بارز این دوره به شمار می‌آید. راه‌پله‌ها و پلکان‌ها در این

دوره، به لحاظ عناصر تزئینی، دارای شخصیت مستقل و قابل توجه می‌شوند (فرح‌بخش و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴-۱۰۶). تزئینات معماری در دوره قاجاریه اهمیت ویژه‌ای داشت. کاشی‌کاری، سنگ-کاری، گچبری، نقاشی روی گچ، آئینه‌کاری و نقاشی روی چوب، عمده‌ترین تزئینات دوره قاجار را تشکیل می‌دهند، اکثر تزئینات این دوره هم چون سایر زمینه‌ها به فراخور خود تحت تأثیر غرب قرار می‌گیرد (فناپی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۴) نقوش تزئینی عهد قاجار شامل اشکال انتزاعی، اسلیمی، ختایی، گل‌فرنگی (گل‌لندنی)، مناظر و شکارگاه، گلدان‌های پرگل و مرغ، تصاویر شاهان و درباریان و شاهزادگان، نقش شیر و خورشید و فرشتگان است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۸).

### ویژگی تزئینات خانه‌های دوره قاجار

از خانه‌های دوره قاجار در آمل که دارای انواع تزئینات گچبری نمای بیرونی و درونی، گره چینی و انواع نقاشی‌های سقف و نماهای داخلی می‌باشند می‌توان به خانه شفایی، خانه ملک، خانه منوچهری، حاج علی ارباب (درزی) خانه قریشی و خانه صحت و خانه‌های روستایی و بیلاقات لاریجان در محدوده آمل می‌توان به خانه‌های مهدی پاشا سلطان در پاشاکلا در جنوب غربی آمل و خانه حاج قاسمی و خانه شکیبا (عمارت مفخم) در روستای نوا اشاره نمود. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده فنون تزئینی به کار رفته در منازل مسکونی دوران قاجار در شهرستان آمل شامل موارد زیر می‌باشد؛

- تزئینات چوبی؛ گره‌چینی، ارسی، چوب‌کاری، مشبک
- تزئینات گچی؛ گچبری، نقاشی روی گچ، تخمه‌گذاری الوان
- تزئینات آجری؛ آجرچینی، بندکشی، سفال‌پوش

### ۱- تزئینات چوبی: گره چینی

در استان مازندران به دلیل فراوانی منابع جنگلی، چوب آزاد پُرکاربردترین چوب در ساخت گره-چینی‌ها بوده است. چوب آزاد چوبی سخت و پُرزور بوده که برای ماندگاری بیشتر، الوارهای چوب را در روغن بزرک می‌پختند تا چوب اصطلاحاً اشباع شود؛ یعنی آب مولکولی آن تبخیر شده و جای آن را روغن می‌گیرد و در برابر رطوبت و عوامل آسیب‌زای دیگر مقاوم خواهد شد. هنر گره چینی در اغلب خانه‌های آمل به صورت پنجره‌های مشبک و ارسی دیده می‌شود. در تصویر ۷ نمونه‌ای از ارسی مربوط به خانه منوچهری مشاهده می‌گردد.



تصویر ۷- ارسی و روزن تزئینی ساختمان منوچهری نگارندگان ۱۳۹۸

### چوب کاری و نقاشی روی چوب

یکی از رایج‌ترین تزئینات و به نوعی هنر ویژه منطقه مازندران می‌باشد. از عمده‌ترین موارد استفاده از چوب می‌توان به چوبکاری منقوش سقف‌های داخلی و تزئینات چوبی شیرسر (زیر شیروانی) و درهای چوبی دولنگه منقوش و رنگی با کارکرد سازهای و زیبایی شناختی اشاره کرد. در تصویر ۸ و ۹ نمونه‌هایی از نقاشی روی چوب دیده می‌شود.



تصویر ۸ - نمونه‌ای از تزئینات و نقاشی سقف، خانه حاج قاسمی، نوای لاریجان (۱۳۹۸)،

نگارندگان)





تصویر ۹ - نمونه ای از تزئینات و نقاشی ، سقف همراه با تزئینات مشبک چوبی، خانه شکیبا، نوای لاریجان (۱۳۹۸، نگارندگان)



تصویر ۱۰ - نمای بیرونی خانه شفایی آمل، نگارندگان ۱۳۹۸



تصویر ۱۱ تزئینات ارسی و گچبری خانه شفایی آمل، نگارندگان ۱۳۹۸

### نقاشی روی گچ

در گچ نگاری‌های دوره قاجار مضامین تزئینی جایگاه ویژه‌ای دارد، اصلاً گچ نگاری و گچبری در معماری ایران همواره جنبه تزئینی داشت و برای زیبایی اندرونی خانه‌ها به کار می‌رفت. نقاشی روی گچ را می‌توان در خانه قریشی مشاهده کرد. طراحی این نگاره‌ها ابتدایی و با مشخصات نقش‌پردازی افراد بومی تصویر شده است (حجازی، ۱۳۹۵: ۷-۹)

### تخمه گذاری الوان

یکی از تکنیک‌های تزئینی به کار رفته در خانه‌های آمل، روش تخمه‌گذاری است. این تکنیک تزئینی را می‌توان بر روی ستون‌های ضلع شمالی و جنوبی منقوش و بر روی دیوارهای داخلی و خارجی بنا که فاقد نقش هستند، مشاهده کرد. در تصویر شماره ۱۲ نمونه تخمه‌گذاری از خانه مهدی پاشا سلطان مشاهده می‌گردد.



تصویر ۱۲ تزئینات تخمه‌گذاری نمای خانه مهدی پاشا سلطان نگارندگان ۱۳۹۸

در روش تخمه‌گذاری، بعد از قاب‌بندی کار، سطح مورد نظر را با اندود گچ سفید، به صورت مسطح و یک دست می‌پوشانند. در این مرحله، سطح مورد نظر همانند یک بوم سفید آماده اجرای طرح می‌شود. بعد از این مرحله، با روش گردافشانی با زغال، نقش مورد نظر را روی سطح گچ انتقال می‌دهند، در مرحله بعدی با ابزارهای نوک تیز و نازک فلز، نقش پیاده شده را کنده‌کاری می‌کنند و به عمق حدود نیم تا یک سانتیمتر، طرح و نقش را توخالی می‌کنند. بعد از اینکه نقش را به طور کامل درآوردند، آن را از انواع گچ‌های رنگی پر می‌کنند. در این روش می‌توان، هم زمینه و هم نقش را به تنهایی توخالی کرد و به جای آن گچ رنگی نشانند. نمای خارجی خانه حاج مهدی سلطان، خانه شفاهی مزین به این هنر می‌باشند. با این شیوه نقوش بسیار زیبا از درخت سرو،

پرندگان و موجودات خیالی ایجاد کرده‌اند که ضمن داشتن سابقه ملی در فرهنگ ایرانی به شیوهای خام دستانه طراحی و اجرا گشته‌اند (ساروی و دیگران، ۱۳۷۳: ۵)

### ۳- تزینات آجری بندکشی

از جمله تزینات شاخص خانه‌های آمل که در خانه حاج مهدی سلطانی نمایان است بندکشی با آجر است. نقش بندکشی با دو رنگ خاکستری و کرم رنگ بر روی آجرهای قرمز شکل یافته‌اند. بیشترین طرحی که در بندکشی منازل مازندران به چشم می‌آید ترکیبی از ستاره چهارپر، دایره، گل گرد چهارپر، جناغی و نقش سرو است (حجازی، ۱۳۹۵: ۱۴)

### نتیجه گیری

در این دوره خندق‌های اطراف شهر را خشک کردند آمل به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای مازندران از قدمتی چند هزار ساله برخوردار است. این شهر در دوران اسلامی و در سال ۳۰ه.ق. توسط مسلمانان فتح شد. شهر آمل همه عناصر لازم برای ایجاد شهر اسلامی را دارا بود و در طی دوران تاریخی و اسلامی بافت شهر دچار تغییر و تحولات فراوانی گشت. این شهر از صدر اسلام تا زمان حملات مغولان بین حاکمان محلی دست به دست می‌شد تا اینکه مغولان بر آن چیره شده و آن را ویران نمودند. تیمور نیز در جریان عزیمت به ایران، در مسیر استرآباد و آمل حرکت کرده، قلاع و استحکامات مختلفی را که در مقابل او تاب آورده بودند به تصرف درآورد (قلعه ماهانه سر در شمال غربی آمل و جنوب شهر سرخ رود). در دوران صفویه مازندران به خاطر اقلیم منطقه مورد توجه شاهان صفویه قرار گرفت و به خصوص شاه عباس صفوی شروع به ساخت و ساز در این منطقه نمود که دو شهر فرح‌آباد و اشرف با باغات و عمارات زیبا را ساخت. آمل در زمان افشاریه و زندیه دچار تحول دیگری شد و بر اساس موقعیت خود به عنوان شهری برای تجارت و ساخت و ساز ادوات جنگی بود. به واسطه موقعیت شهر در آمل توپخانه‌ها بنا نهاده شد و مراکز داد و ستد بیشتر از پیش شد. در دوران قاجار نیز بار دیگر مازندران و خصوصاً آمل مورد توجه شاهان قاجار قرار گرفت و آقامحمد خان پس از آنکه قدرتش را بر ایل قاجار استوار کرد بر استرآباد، مازندران و گیلان چیره گردید بطوری‌که مازندران مقارن با تاجگذاری آقا محمدخان قاجار، رویدادهای گوناگونی را پشت سر گذاشت. از طرفی در همین هنگام آقا محمدخان در آنجا یک قصر سلطنتی بنا نمودند و ساخت و سازهایی را انجام دادند که با وجود ورود عناصر جدید در معماری و شهرسازی بافت شهری آمل تغییرات فراوانی کرد و مورخان و جهانگردانی از جمله

مارکام که از این شهر بازدید کرده بودند در توصیفات خود از مازندران و آمل به این موارد اشاره داشته‌اند. ( نقوش تزیینی در نواحی جلگه ای و مرطوب مازندران به ویژه در بناهای مسکونی آمل به دلیل شدت رطوبت تغییر رنگ یافته و به سرعت از بین رفته‌اند. نقوش و تزیینات بجا مانده، بیانگر اسناد و اطلاعات مهمی می‌باشند که حفاظت و معرفی این بناها و تزیینات در حفظ تاریخ و فرهنگ این شهر تاثیر گذار بوده و دیگر پژوهشگران با مطالعه و ادامه این پژوهش به افق‌های بیشتر و جدیدتری دست خواهند یافت. امید است این پژوهش موجبات تحقیقات گسترده‌تر توسط پژوهشگران در آینده را فراهم آورده باشد.

### منابع

۱. ابن اسفندیار، ۱۳۸۶، "تاریخ طبرستان"، به تصحیح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
۲. ابن حوقل، محمدبن حوقل، ۱۳۶۶، "ایران در صورۃ الارض"، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۳. ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، "المسالك و الممالک"، ترجمه سعید خاکرند، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
۴. ابن فقیه، احمد بن محمد، ۱۳۴۹، "ترجمه مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران"، ترجمه ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۵. ابوالفدا، ۱۳۴۹، "تقویم البلدان"، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۶. اسکندربیک منشی. (۱۳۱۷). "تاریخ عالم آرای عباسی". تصحیح: سهیل خوانساری. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۷. اسماعیلی، علیرضا، ۱۳۸۷، "پرتوهای تلاش: جامعه و فرهنگ ایران عصر صفوی در آینه ی سفرنامه‌ها"، (بررسی سفرنامه های دوره صفوی - منوچهر دانش پژوه)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۵، صص ۴۰ - ۴۳.
۸. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، "مسالك و ممالک"، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

## سیر تحولات جغرافیای تاریخی شهر آمل از صدر اسلام تا انتهای دوران قاجار

۹. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۷، "مرآه البلدان"، به کوشش: عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۱۰. الاثیر، عزالدین علی بن، ۱۳۵۲، "الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران"، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
۱۱. الاثیر، عزالدین علی بن محمد، ۱۳۶۸، "تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران جلد ۱۷ و ۱۸"، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت
۱۲. برنارد اورکاد؛ شهریار عدل. (۱۳۷۵). "تهران پایتخت دویست ساله". مترجم ابو احسن سروقد مقدم، احمد سیدی، فاطمه وثوقی خزائی. سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران
۱۳. بجنوردی، کاظم، ۱۳۷۴، "دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۲"، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی.
۱۴. بلاذری، ابوالحسن، ۱۳۳۷، "فتوح البلدان"، ترجمه محمد توکل، تهران. نشر نقره.
۱۵. پوردادود، ابراهیم، ۱۳۰۸، "دبیات مزدیسنا"، تهران: انتشارات انجمن زرتشتیان.
۱۶. پیرونی، حسن، ۱۳۹۱، "تاریخ ایران باستان"، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
۱۷. ترکمان، اسکندربیک، ۱۳۵۰، "تاریخ عالم آرای عباسی"، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. توکلی، بهروز، و زارع پاکزاد، فریناز. (۱۳۹۲). "بررسی الگوهای فضایی در خانه‌های قاجاری تبریز". اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار. صص ۱۲-۳.
۱۹. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۱۳۷۶، "ترجمه تقویم التواریخ"، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب احیاء کتاب.
۲۰. حجازی، معینه السادات. (۱۳۹۵). "بررسی فنون تزئینی خانه های قاجاری شهرستان آمل". تهران: چهارمین کنفرانس ملی پژوهشی های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. ص ۳
۲۱. حسینی استرآبادی، حسن بن مرتضی، ۱۳۶۶، "تاریخ سلطانی"، از شیخ صفی تا شاه صفی، به کوشش: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی.

۲۲. حسینی جنابدی، میرزاییگ حسن بن، ۱۳۷۸، "روضه الصفویه"، به کوشش: غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۲۳. حکیمیان، ابوالفتح، ۱۳۶۸، "علویان طبرستان"، تهران. نشر الهام.
۲۴. خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم بن، ۱۳۶۸، "خلاصه السیر(تاریخ روزگار شاه صفی صفوی)"، زیر نظر: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی.
۲۵. خواندمیر، غیاث الدین، ۱۳۳۳، "تاریخ حبیب السیر از اواخر مغول تا انقراض صفوی"، مقدمه جلال الدین همائی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه خیام.
۲۶. خورانی، اسدالله. (۱۳۸۵). "نقش آب و هوا در شکل دادن به مسکن روستایی. نشریه آموزش جغرافیا". دوره بیستم. شماره ۳. صص ۵۳-۴۸.
۲۷. رایینو، ه، ر، ۱۳۸۳، "سفرنامه مازندران و استرآباد"، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. راوندی، مرتضی، ۱۳۵۴، "تاریخ اجتماعی ایران"، تهران: نگاه.
۲۹. رضانزاد، الهه و جهانیان، عالیه، "بررسی راه ها و رباط های نیشابور پس از اسلام تا حمله مغول براساس منابع تاریخی و سفرنامه ها (قرن ۱ تا ۶ هجری)"، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، محلات، سال ۱۵، شماره ۵۷-تابستان ۱۳۹۹
۳۰. روزبهان، فضل الله، ۱۳۸۲، "تاریخ عالم آرای امینی: شرح حکمرانی سلاطین آق قویونلو و ظهور صفویان"، مصحح: محمداکبر عشیق، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۱. ژوبر، ب. آ، ۱۳۶۶، "مسافرت به ارمنستان و ایران"، ترجمه محمود هدایت، تهران: شرکت چاپخانه تابان.
۳۲. سایکس، سرپرسی مولزورث، ۱۳۸۰، "تاریخ ایران"، محمدتقی فخردایی گیلانی، تهران: انتشارات افسون.
۳۳. شاهرخ، سید علا الدین، ۱۳۸۸، "هویت فرهنگی ایرانیان و اسلام در قرون نخستین هجری" فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، محلات، دوره ۴-شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۸

۳۴. شمیم، علی اصغر، ۱۳۸۷، "ایران در دوره سلطنت قاجار": قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، تهران: بهزاد.
۳۵. شبیانی، میرزا ابراهیم، ۱۳۶۶، "منتخب التواریخ"، تهران: انتشارات علمی شمیم، علی اصغر، ۱۳۸۷، "ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم"، تهران: بهزاد.
۳۶. طاهباز، منصوره؛ جلیلیان، شهربانو. (۱۳۹۰). "اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد". تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۷. طبری، محمدبن جریر، ۱۳۷۵، "تاریخ طبری"، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
۳۸. فرحبخش، مرتضی؛ حناچی، پیروز؛ غنائی، معصومه. (۱۳۹۶). "گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد، از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول". دو فصلنامه مطالعات معماری ایرانی. شماره ۱۲. پاییز و زمستان. صص ۱۱۶-۱۱۷.
۳۹. فریزر، ۱۳۶۴، "سفرنامه فریزر، معروف به سفر زمستانی"، ترجمه و حواشی: منوچهر امیری، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
۴۰. فئودوروویچ مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۹۴، ایران در زمان نادرشاه، ترجمه رشید یاسمی، چاپ هفتم، تهران
۴۱. فنایی، زهرا، مجابی، سید علی، و آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). "بررسی تطبیقی و تحلیلی گچبری در خانه‌های قاجاری اصفهان". فصلنامه هنرهای تجسمی نقشمایه. سال چهارم، ماه هشتم. صص ۵۶-۴۳.
۴۲. قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، ۱۳۳۵، "سفرنامه ناصر خسرو"، تهران: انتشارات زوار.
۴۳. قبادالحسینی، خورشاه‌بن، ۱۳۷۹، "تاریخ ایلچی نظام شاه"، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴۴. کروسینسکی، یوداش تادیوش، ۱۳۶۹ "ده سفرنامه"، ترجمه مه‌راب امیری، چاپ اول، تهران: انتشارات وحید
۴۵. کسمایی، مرتضی. (۱۳۷۱). "پهنه‌بندی اقلیم ایران، مسکن و محیط‌های مسکونی". تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۴۶. کسمایی، مرتضی. (۱۳۸۴). "اقلیم و معماری". اصفهان: نشر خاک.

۴۷. کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). "معماری دوره پهلوی اول، دگرگونی اندیشه ها، پیدایش و شکل گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۲۹۹ الی ۱۳۲۰". تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. ص ۴۴
۴۸. گرانتوسکی، ا. آ و دیگران، ۱۳۸۵، "تاریخ ایران از زمان باستان تاکنون"، مترجم: کیخسرو کشاورزی، تهران: مروارید.
۴۹. گردیزی، ابی سعید عبد الحی بن الضحاک بن محمود، ۱۳۶۳، "زین الاخبار"، محقق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
۵۰. لاکهارت، لارنس، ۱۳۴۴، "انقراض سلسه صفویه"، مترجم: اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۱. لسترنج، گای، ۱۳۳۷، "جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی"، مترجم: محمود عرفان، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۲. مارکام، کلمنت، ۱۳۶۷، "تاریخ ایران در دوره قاجار"، مترجم: میرزا رحیم فرزانه، تهران: نشر فرهنگ ایران.
۵۳. مارکوارت، یوزف، ۱۳۷۳، "ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی"، ترجمه مریم میر احمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۵۴. محمود قزوینی، زکریا بن محمد، ۱۳۷۳، "آثار البلاد و اخبار العباد"، ترجمه و اضافات جهانگیر میرزا قاجار و به تصحیح و تکمیل میر هاشم محدث، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۵. مرعشی، سید نصیرالدین، ۱۳۴۵، "تاریخ طبرستان، رویان و مازندران"، به اهتمام محمدحسین تسبیحی، تهران: موسسه مطبوعاتی مشرق.
۵۶. مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، ۱۳۸۱، "نزهة القلوب"، باهتمام محمد دبیرسیاقی، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
۵۷. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۴۹، "التنبیه و الاشراف"، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب.
۵۸. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، "احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم"، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی.
۵۹. مکی نژاد، مهدی، (۱۳۸۷)، "تزئینات معماری"، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت



۶۰. موسوی ساروی، سیدرحیم؛ غلامرضا آذربویه؛ محمد ترابی آذر، الهیار طالبی. (۱۳۷۳). "بررسی نماد سرو در معماری بومی دوره اسلامی مازندران". دومین همایش ملی هنر طبرستان: معماری بومی. دانشگاه مازندران.
۶۱. موسوی گیلانی، سیدجعفر و موسوی گیلانی، سید مجتبی، "نقش حکومت های شیعه در رواج تشیع و گسترش تمدن اسلامی ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، محلات، دوره ۱۱، شماره ۴۰- بهار ۱۳۹۵
۶۲. مهلبی، حسن بن احمد، ۲۰۰۶، "الکتاب العزیزی المسالک و الممالک"، ترجمه خلف تیستر، سوریه، دمشق، التکوین.
۶۳. نفیسی، سعید، ۱۳۳۵، "تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، مجلد اول"، تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
۶۴. واله اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۸۰، "خلد برین"، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم "، تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶۵. وحیدقزوینی، محمدطاهر بن حسین، ۱۳۸۳، "تاریخ جهان آرای عباسی"، تصحیح: سعید میرمحمد صادق، زیر نظر: احسان اشراقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶۶. هنوی، جونس، ۱۳۶۵، "زندگی نادرشاه"، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶۷. هنوی، جوناس، ۱۳۷۷، "زندگی نادر شاه"، مترجم: اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
۶۸. یاقوت، حموی، ۱۳۸۰، ترجمه کتاب "المعجم البلدان"، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۶۹. یاقوت، حموی، ۱۳۸۳، "برگزیده مشترک، جلد اول"، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات امیرکبیر
۷۰. یعقوبی، ابن واضح، ۱۳۴۷، "البلدان"، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب.
۷۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۲، "حدود العالم من المشرق و المغرب"، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.